غائط - غیر منقول

غائط:

مدفوع.

غارم:

بدهکاری که فعلاً توانایی پرداخت دیون را ندارد.

غالی:

غلو کننده. رجوع کنید به: غلات.

غایب شدن:

پنهان شدن و عدم دسترسی.

غبطه:

مصلحت، فایده.

آرزو داشتن اموال و اوصاف دیگران بی آنکه زوال آنها را بخواهد.

غَبْن:

تفاوت قیمت قرار دادی با قیمت واقعی.

غبن فاحش:

تفاوت قیمت قراردادی با قیمت واقعی، به حدی که قابل چشم پوشی نباشد.

غدد:

غده ها، توده های به هم فشرده چربی در بعضی نقاط بدن.

غرامت:

تاوان، مالی که انسان به خاطر خسارت و ایجاد نقص، به دیگری می پردازد.

غرس:

درختکاری، کاشت نهال.

غرض عقلایی:

هدفی که از نظر عقلاء قابل قبول و پسندیده باشد.

غریم:

مدیون.

غساله:

آبی که برای شستن چیزی بکار رفته است، چه از آن چیز جدا شده باشد و چه در آن باقیمانده باشد.

غُسل:

شستشوی بدن به کیفیت مخصوص، با قصد قربت.

غسل ترتیبی:

به قصد قربت اول سر و گردن، بعد به احتیاط طرف راست سپس طرف چپ را شستن.

غسل جبیره ای:

غسلی است که با وجود جبیره (بر روی بعضی از اعضاء بدن) انجام می گیرد.

غسل مستحب:

هر غسلی که به مناسبت ایام و لیالی خاص، یا عبادات و زیارات مخصوص، یا ورود به اماکن متبرکه وارد شده است ؛ مانند غسل جمعه، غسل شب های احیا و غسل ورود به مکه معظّمه.

غسل واجب:

غسلی که انجام دادن آن، به سبب عواملی چون جنابت، حیض و... واجب است.

غسل میت:

شستن میت پیش از دفن با آب سدر، کافور و آب خالص.

غَشّ:

فریب دادن دیگران، از راه بهتر یا بیشتر وانمود کردن کالا.

غصب:

تسلط پیدا کردن نامشروع، بر مال یا حق دیگران.

غُقَیله:

نماز غفیله یکی از نمازهای مستحبی است که در بین نماز مغرب و عشاء خوانده می شود و در رکعت اول پس از حمد، آیه «و ذالنون» و در رکعت دوم آیه «و عنده مفاتح...» خوانده می شود.

غُلات:

غلوّ کنندگان ؛ معتقدین به ربوبیت ائمه (علیهم السلام) یا حلول خداوند در آنها.

غلّه:

گندم و جو.

درآمد هر چیزی اعم از کشاورزی، دامداری، اجاره و...

غلّو:

مبالغه، از حد گذشتن. رجوع کنید به: غلات.

غنا:

آواز خاصی که با زیر و بم دادن به صدا و با اسلوب و قاعده و قانون مخصوصی خوانده می شود.

غنیمت:

آنچه که در حال جنگ مشروع، از اهل شرک و کفر گرفته می شود. همچنین به هر منفعتی که بدست آید، غنیمت گفته می شود.

غَوْص:

هر آنچه که از راه فرو رفتن در دریا و غواصی به دست می آید.

غیبت:

بیان عیب مستور کسی در غیابش به قصد مذمت و انتقاص.

غیر مبطل:

آنچه باعث بطلان عمل نمی شود ؛ مانند شک در رکعت سوم و چهارم در نماز چهار رکعتی.

غیر مشروع:

آنچه مخالف شرع است.

غیر منقول:

اموال ثابت و غیر قابل انتقال ؛ مانند خانه.